

# کتاب دانیال - شماره یکصد و سی

گذار پیش‌گویانه ایالات متحده: از پادشاهی ششم تا اتحاد سه‌گانه

Jeff Pippenger

2024-03-11

هنگامی که ایالات متحده قانون یکشنبه قریب‌الوقوع را به اجرا بگذارد، دیگر ششمین پادشاهی پیشگویی کتاب مقدس نخواهد بود و به یک‌سوم اتحاد سه‌گانه روم مدرن بدل خواهد شد. رئیس‌جمهوری که قانون یکشنبه را اجرا کند، آخرین رئیس‌جمهوری خواهد بود و جمهوری خواه خواهد بود. این بر پایه دو شاهد استوار است.

آبراهام لینکلن، که نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه بود، در سال ۱۸۶۳ «اعلامیه آزادی بردگان» را «بر زبان آورد»، که نشانه میانی «سخن گفتن» در تاریخ نبوتی وحش زمین بود. وقتی لینکلن در ۱۸۶۳ «اعلامیه آزادی بردگان» را «بر زبان آورد»، او نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه بود و بدین‌سان نماد آخرین رئیس‌جمهور جمهوری خواه شد. آبراهام لینکلن نماینده آخرین نشانه راه نخستین دوره وحش زمین و نیز نخستین نشانه راه دوره دوم وحش زمین است. عیسی همواره پایان را با آغاز نشان می‌دهد. هنگامی که وحش زمین در پایان آخری از آن دو دوره همچون اژدها سخن بگوید، رئیس‌جمهور یک رئیس‌جمهور جمهوری خواه خواهد بود، چنان‌که لینکلن نمونه آن است.

دومین شاهد بر اینکه آخرین رئیس‌جمهور یک رئیس‌جمهور جمهوری خواه است، دوره‌ای است که در زمان پایان در سال ۱۹۸۹ با رونالد ریگان آغاز شد. دوره نبوی از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه که به زودی فرا می‌رسد، با دوره نبوی آمادگی برای به‌تخت‌نشستن روم پاپی در تاریخ ۵۰۸ تا ۵۳۸ نمایانده شده است. آن دوره نبوی آمادگی برای قدرت‌گیری ضد مسیح در سال ۵۳۸، نمونه‌اش سی سال آمادگی مسیح بود؛ یعنی از تولدش تا تعمیدش.

ضد مسیح دوره سی‌ساله‌ای برای آمادگی داشت که تقلیدی جعلی از سی سال آمادگی مسیح بود. دوره سی‌ساله آمادگی برای مسیح، و نیز برای ضد مسیح، دو شاهد برای یک دوره آمادگی به‌منظور شفای زخم مرگبار در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع ارائه می‌دهد. آن دوره آمادگی در زمان انتها در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، همان‌گونه که دوره آمادگی مسیح با تولد او فرا رسید، که در تاریخ نبوی او نشانگر زمان انتها بود.

پیش از آخرین رئیس‌جمهور، آیه دوم باب یازدهم کتاب دانیال می‌آموزد که شش رئیس‌جمهور خواهند بود که به رئیس‌جمهور ثروتمندی ختم می‌شوند که قلمرو جهانی‌گرایان را «برانگیزد». نخستین آن شش رئیس‌جمهور، رونالد ریگان، یک جمهوری خواه بود. رونالد ریگان و آبراهام لینکلن دو شاهد را تشکیل می‌دهند. نشانه راه شورش سال ۱۸۶۳ و سلسله رؤسای جمهوری که از ۱۹۸۹ آغاز می‌شود، ویژگی‌های آخرین رئیس‌جمهور ایالات متحده را به‌دقت مشخص می‌کنند.

رونالد ریگان نماد نخستین است و بنابراین آخری را نشان می‌دهد. ریگان ستاره سابق رسانه‌ها بود، دموکرات سابق که به جمهوری‌خواهی گرویده بود. او به استفاده تحریک‌آمیز از زبان انگلیسی شناخته می‌شد. او به حس شوخ‌طبعی‌اش شناخته می‌شد. او خود را پروتستان معرفی می‌کرد و هنگامی که با ضد مسیح پیشگویی‌های کتاب مقدس هم‌پیمان شد، نشان داد که واقعاً نمی‌فهمد پروتستان بودن به چه معناست.

او آمریکادوست بود و از نظر سیاسی بی‌باک. پیش از او، ناکارآمدترین رئیس‌جمهور آن دوره از سیاست مدرن بر سر کار بود که در برابر خواسته‌های اسلام رادیکال سر فرود آورده بود. شاید مهم‌ترین چیزی که گفت و بابت تحققش به او اعتبار می‌دهند، همان وقتی بود که گفت: «آقای گورباچف، این دیوار را فروبریزید.»

دونالد ترامپ نمادی از واپسین است و بنابراین توسط نخستین به تصویر کشیده شده است. ترامپ پیش‌تر یک ستاره رسانه‌ای بود، دموکراتی سابق که به جمهوری‌خواه تبدیل شده بود. او به خاطر استفاده جنجالی از زبان انگلیسی شناخته می‌شود. او به خاطر حس شوخ‌طبعی‌اش نیز شناخته می‌شود. او خود را پروتستان می‌داند، اما نشان داده که واقعاً نمی‌فهمد پروتستان بودن به چه معناست، و او در زمان قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد با ضد مسیح نبوت‌های کتاب مقدس اتحاد خواهد بست.

او آمریکادوست است و از نظر سیاسی بی‌باک. پیش از او، ناکارآمدترین رئیس‌جمهور آن برهه از سیاست مدرن بر سر کار بود و وقتی در سال ۲۰۲۴ دوباره انتخاب شود، باز هم پیش از او، ناکارآمدترین جدید عصر سیاست مدرن بر سر کار بوده است. در هر دو مورد، پیشینیان او به سر فرود آوردن در برابر خواسته‌های اسلام افراطی شناخته می‌شوند. بی‌تردید مهم‌ترین چیزی که او تاکنون گفته است - و تحقق آن را به نام او خواهند نوشت - این است: «دیوار را بسازید.»

منظور این نیست که بگویم جیمی کارتر، باراک حسین اوباما و جو بایدن در دوران ریاست‌جمهوری‌شان بسیار کارآمد نبودند؛ بلکه کارآمدی آنان مبتنی بر تلاششان برای نابود کردن اصول منصوص در قانون اساسی ایالات متحده بود، همان سندی که هر یک سوگند خورده بودند آن را پاس بدارند و از آن حفاظت کنند، همراه با این واقعیت که کارتر اجازه داد اسلام تا زمان انتخاب ریگان گروگان‌ها را نگه دارد، و اوباما در جهان اسلام تور عذرخواهی در پیش گرفت و حداقل یک میلیارد دلار پول نقد به بانک اصلی اسلام رادیکال داد، و سابقه بایدن در حمایت از اسلام آن قدر طولانی است که قابل فهرست کردن نیست.

رونالد ریگان کار فرو ریختن دیوار نمادینی را که «پرده آهنین» نامیده می‌شد به انجام رساند، و در ۱۱ نوامبر ۱۹۸۹ دیوار برلین فرو ریخت تا آن پیروزی روحانی را با نشانه‌ای عینی نشانه‌گذاری کند. ترامپ دیوار نمادین جدایی دین و دولت را فرو خواهد ریخت، و ویل سوم نشانه‌ای عینی از آن رویداد فراهم خواهد کرد. آن رویداد، دوره مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار را به پایان خواهد رساند؛ دوره‌ای که با ظهور اسلام ویل سوم آغاز شد و نشانه‌ای عینی فراهم آورد تا معلوم شود کار روحانی دوره مهر شدن آغاز شده است. ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نقطه میانی سه نشانه تاریخی عینی زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار بود.

در میانه آن تاریخ مهرگذاری، ششمین رئیس‌جمهور از زمان رونالد ریگان، به‌طور نمادین در عرصه سیاست توسط وحش چاه بی‌انتها ترور شد. وحش چاه بی‌انتها در آغاز دوران مهرگذاری اسلام بود که محمد را، به‌عنوان نماد یک نبی کاذب، نمایندگی می‌کرد. وحش چاه بی‌انتها در پایان دوران مهرگذاری، وحش دریایی کاتولسیسم است که زخم مهلکش سپس شفا می‌یابد. وحش چاه بی‌انتها که در میانه دوران مهرگذاری سر برمی‌آورد، وحش بی‌خدایی، یعنی اژدها، است. وحش اژدها از چاه بی‌انتها، در میانه دوران مهرگذاری، دو شاهد مکاشفه باب یازدهم را می‌کشد.

جناح اژدهایی دموکرات طرفدار برده‌داری در جنگ داخلی آمریکا به‌معنای واقعی کلمه نخستین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه را کشت. جنگ داخلی رسماً در ۹ آوریل ۱۸۶۵ پایان یافت و لینکلن یک هفته بعد، در ۱۵ آوریل، درگذشت، هرچند یک روز پیش‌تر هدف گلوله قرار گرفته بود. جنگ در سبت روز هفتم پایان یافت و لینکلن نیز در سبت روز هفتم درگذشت.

جهانی‌گرایانی که علیه رئیس‌جمهور ثروتمند و قدرتمند بیدار شده (برانگیخته) بودند، در سوم نوامبر ۲۰۲۰ دست به ترور سیاسی زدند. آن وحش از چاه بی‌پایان نمایانگر وحش اژدهاگون بود که به‌طور نمادین آخرین رئیس‌جمهور جمهوری خواه را از پا درآورد؛ همان‌گونه که نمونه‌اش مرگ واقعی نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه است. کلام خدا تصریح می‌کند که پس از آنکه جهان بر مرگ او شادمانی کرد، او بر پاهای خود خواهد ایستاد. اکنون در سال ۲۰۲۴ هستیم و آشکار است که ترامپ، با وجود همه جنگ‌های حقوقی، دروغ‌ها، تبلیغات و پولی که علیه او خرج می‌کنند، دوباره جان گرفته است.

در مناقشه‌ای که در ایالات متحده آشکار می‌شود و بدین‌سان پیش‌درآمد همان مناقشه در جهان است، در همان زمانی که قدرت خدا - که با باران آخر نمایان می‌شود - از بالا نازل می‌گردد، قدرتی شیطانی از پایین سر برخواهد آورد.

در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و در امتداد آن تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی در ایالات متحده می‌آید، اسلام «وای سوم» چون دود از چاه بی‌پایان برآمد و نمایانگر دود ساختمان‌های در حال سوختن در آغاز آن تاریخ بود. در سال ۲۰۱۶، ووک ایسم کمونیستی جهانی‌گرایان سر برآورد تا دو شاهد را بکشد. سپس، در هنگام قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد، نهاد پاپی که در آن زمان به «وحش هشتم برخاسته از آن هفت» بدل خواهد شد، بر تخت زمین خواهد نشست، در حالی که زخم مرگبارش شفا می‌یابد.

وحشی که نمایانگر قدرتی‌اند که از پایین می‌آید، در هنگامی که باران پسین به منزله قدرتی از بالا در حال باریدن است، نماینده یک «حقیقت» نبوی هستند. نخستین آن‌ها که چون دود بالا می‌رود، اسلام وای سوم است، در زمانی که صدای نخست باب هجده مکاشفه به صدا درمی‌آید، و هنگامی بالا می‌رود که باران پسین آغاز به «اندازه‌گیری شدن» می‌کند. آخرین آن‌ها که بالا می‌رود، نهاد پاپی است، در زمانی که صدای دوم باب هجده مکاشفه به صدا درمی‌آید، و هنگامی بالا می‌رود که باران پسین بی‌اندازه فرو ریخته می‌شود.

اولی نماد آخری است، و وحشی که در میانه برمی‌خیزد، وحش جهانی‌گرایی الحادی است که در سال ۲۰۲۰ دو شاهد را کشت. یکی از آن شاهدان شاخ پروتستان بود و دیگری شاخ جمهوری خواه. شورش و هرج و مرج مرتبط با وحش الحاد با سیزدهمین حرف الفبای عبری نشان داده می‌شود، و آن وحش برخاسته از چاه بی‌انتها میان نخستین و آخرین وحش‌های برخاسته از چاه بی‌انتها آمد؛ امری که تعریف واژه عبری «حقیقت» را می‌سازد، حتی اگر آن حقیقت قدرت شیطانی‌ای را که از زیر می‌آید، در زمانی که قدرت آسمانی از بالا می‌رسد، شناسایی کند.

سه روز و نیم پس از آنکه آن دو شاهد کشته شدند، «صدای میانی» به صدا درآمد. آن همان «صدای نداکننده‌ای در بیابان» بود. آن صدا «پایان» صدای پیام‌آوری بود که راه را برای «فرستاده عهد» آماده می‌کند و آغاز صدای ایلیا که مردان و زنان را به کوه کرمل فرا می‌خواند.

ای برادران و خواهران، کاش بتوانم سخنی بگویم که شما را به اهمیت این زمان و معنای رویدادهایی که اکنون در حال وقوع‌اند بیدار سازد. توجه شما را به جنبش‌های تهاجمی‌ای جلب می‌کنم که اینک برای محدود کردن آزادی دینی در جریان‌اند. یادبود تقدیس‌شده خدا ویران شده است و به‌جای آن، سبتی دروغین، بی‌هیچ قداستی، در برابر جهان قد علم کرده است. و در حالی که قدرت‌های تاریکی عناصر زیرین را برمی‌انگیزانند، خدای آسمان از فراز قدرت می‌فرستد تا با برانگیختن عاملان زنده‌اش برای تعظیم شریعت آسمان، با این وضعیت اضطراری مقابله کند. اکنون، همین اکنون، زمان ما برای کار در کشورهای خارجی است. هنگامی که آمریکا، سرزمین آزادی دینی، با دستگاه پاپی متحد شود تا وجدان‌ها را به زور مقهور سازد و مردم را به حرمت نهادن به سبت دروغین وادارد، مردم هر کشور در سراسر جهان به پیروی از الگوی او سوق داده خواهند شد. قوم ما هنوز حتی نیمه‌بیدار هم نیست تا با همه توان خود و با امکانات در دسترس،

پیام هشدار را گسترش دهد.

خداوند، خدای آسمان، تا هنگامی که نگهبانان خود را برای دادن هشدار نفرستاده باشد، داورهای خویش را به سبب نافرمانی و تعدی بر جهان نخواهد فرستاد. او دوران مهلت را نخواهد بست تا زمانی که پیام با وضوح بیشتری اعلام شود. شریعت خدا باید بزرگ داشته شود؛ مطالبات آن باید در سیمای حقیقی و مقدسش عرضه گردد، تا مردم به سود یا بر ضد حقیقت تصمیم بگیرند. با این همه، این کار در عدالت به سرعت به انجام خواهد رسید. پیام عدالت مسیح باید از یک سوی زمین تا سوی دیگر طنین انداز شود تا راه خداوند را آماده سازد. این جلال خداست که کار فرشته سوم را خاتمه می‌دهد. شهادت، جلد ۶، ۸، ۱۹.

پیامی که در پایان ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز شد، اکنون «به روشنی اعلام می‌کند» «هشدار» را و «اهمیت این زمان، اهمیت رویدادهایی را که اکنون در حال رخ دادن‌اند» مشخص می‌سازد. این پیام به طور مشخص «قوای تاریکی» را که «عناصر را از زیر برمی‌انگیزند» شناسایی می‌کند، و اینکه «خداوند، خدای آسمان» در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ «فرستادن قدرت از بالا» را آغاز کرد. این پیام «پیام پارسایی مسیح» را «از یک سر زمین تا سر دیگر آن» «به صدا درمی‌آورد». وقت آن کاملاً فرارسیده که «بیدار شویم» «نسبت به اهمیت این زمان»، زیرا خدا اکنون در شرف آن است که «به سبب نافرمانی و تعدی، داورهای خود را بر جهان نازل کند».

خط نبوتی که در آیه چهارم با سال ۱۹۸۹ به عنوان وقت انتها نمایانده شده، بر تاریخ بیرونی خط داخلی نبوتی تأکید می‌کند که در آیه چهارم فصل یازدهم دانیال با سال ۱۷۹۸ به عنوان وقت انتها معرفی شده است. تاریخ نبوی‌ای که در آن آیه از ۱۹۸۹ آغاز می‌شود، فرایند سه مرحله‌ای شفای زخم مهلک روم پاپی را مشخص می‌کند. بازه زمانی از ۱۹۸۹ تا وقتی که آن زخم در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع شفا یابد، دوره نبوی مشخصی را نشان می‌دهد. آیه دوم فصل یازدهم دانیال با شناسایی نقش نبوی رؤسای جمهوری ایالات متحده، که از رونالد ریگان در سال ۱۹۸۹ آغاز می‌شود، خط دومی را می‌افزاید. دوره زمانی نبوی که به قانون یکشنبه منتهی می‌شود، شاهد دومی دارد در سی سال آمادگی که از ۵۰۸ تا ۵۳۸ به انجام رسید؛ هنگامی که دستگاه پاپی برای نخستین بار بر تخت نشست و در همان سال قانون یکشنبه را تصویب کرد.

مسیح در سی‌سالگی تعمیر گرفت و خدمت سه‌ونیم‌ساله خود را آغاز کرد. نهاد پاپی بدلی شیطانی از مسیح است، و دوره سی‌ساله ۵۰۸ تا ۵۳۸، تقلیدی جعلی از سی سال نخست زندگی مسیح است که به تعمیر او انجامید. همچنین خدمت سه‌ونیم‌ساله او در قالب سه‌ونیم سال نبوتی تقلید شد؛ دورانی که در آن، نهاد پاپی به عنوان بدلی از خدمت حیات بخش مسیح، خدمت مرگ‌آور خود را به جهان عرضه کرد.

در پایان خدمت خود مرد، در روز هفتم در قبر آرام گرفت و سپس از مردگان برخاست. در سال ۱۷۹۸، در پایان خدمت شیطانی دستگاه پاپی به مدت سه سال و نیم نبوتی، دستگاه پاپی زخم مرگبار خود را دریافت کرد؛ سپس به مدت هفتاد سال نمادین به فراموشی سپرده شد، تا آن‌که به عنوان هشتمی که از میان آن هفت است دوباره زنده شود. مسیح در روز نخست هفته از مردگان برخاست، اما از نظر توالی، روز نخست «روز هشتم» است و از جمله همان «هفت» روزی است که مسیح آفرید. عدد هشت نماد «رستاخیز» است، و دستگاه پاپی دوباره زنده می‌شود، زیرا تنها پادشاهی در میان پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس است که به عنوان دریافت‌کننده یک زخم مرگبار شناخته شده است.

پولس اشاره می‌کند که وقتی خدا قوم اسرائیل باستان را از دریای سرخ عبور داد، آن رویداد نمادی از تعمیر بود.

علاوه بر این، برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید که همه پدران ما زیر ابر بودند و همه از میان دریا گذشتند؛ و همه در ابر و در دریا به موسی تعمید یافتند. اول قرن‌تین ۱۰:۱، ۲.

آیین تعمید برای اسرائیل روحانی جایگزین آیین ختنه برای اسرائیل جسمانی شد، و ختنه می‌بایست در روز هشتم انجام می‌شد. بنابراین مسیح در روز هشتم، که از میان همان هفت است، از مردگان برخاست؛ و هنگامی که نظام پاپی به‌عنوان هشتمی که از میان آن هفت است احیا می‌شود، این همتای شیطانی خط مسیح است. سی سال آمادگی برای به تخت نشستن نظام پاپی، به‌وسیله سی سال زندگی مسیح در آمادگی برای تعمید، خدمت و مرگش، نمادپردازی شده بود. هر دوی آن خطوط دوره‌ای را مشخص می‌کنند که به مرگ پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس می‌انجامد. هر دو خط نمایانگر دوره پایانی وحش زمین‌اند. در خط مسیح، تولد او "زمان پایان" آن تاریخ را مشخص کرد.

پس، چهار خط داریم. زمان پایان آیه چهارم در سال ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه آیه چهارم و یکم معرفی رؤسای جمهور در آیه دوم، و سی سال آمادگی برای هم مسیح و هم ضد مسیح. سی سال مسیح در خط او از «زمان پایان» آغاز شد که با تولد او مشخص می‌شد. «زمان پایان» در سال ۱۷۹۸، نمونه‌اش پایان اسارت هفتادساله اسرائیل حقیقی در بابل حقیقی بود. بنابراین، آیه دوم باب یازدهم دانیال با داریوش آغاز می‌شود، زیرا داریوش با سقوط بابل به سلطنت رسید. ۱۹۸۹ «زمان پایان» در آیه چهارم است، و آیه دوم باب یازدهم دانیال نیز «زمان پایان» است، و سی سال آمادگی مسیح از «زمان پایان» آغاز شد. سه مورد از این چهار خط، «زمان پایان» را به‌سادگی به‌عنوان نشانه راه آغازین دارند.

دو خط دویست و بیست ساله در جنبش فرشته اول و جنبش فرشته سوم، دویست و بیست را به‌عنوان نماد پیوند میان بشریت و الوهیت معرفی می‌کنند. آغاز پیوند نمادین دویست و بیست ساله که در سال ۱۷۷۶ آغاز شد، به ۱۹۹۶ منتهی شد.

آن دوره، نمونه‌اش در تاریخ جنبش میلریتی، بازه دویست و بیست ساله ۱۶۱۱ تا ۱۸۳۱ بود. دوره میان اعلامیه استقلال در ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸، زمانی که وحش زمین به‌عنوان ششمین پادشاهی پیشگویی کتاب مقدس بر تخت نشست، نمایانگر دو نقطه عطف نخست از سه نقطه عطف در چارچوب آن دویست و بیست سال است که در ۱۹۹۶ به پایان رسید.

۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ نشانگر دوره‌ای است که به قدرت‌گیری ششمین پادشاهی پیشگویی‌های کتاب مقدس می‌انجامد و از این‌رو با سی سال آمادگی مسیح و ضد مسیح هم‌خوان است. دورانی که پیش از قدرت‌گیری وحش زمین است، بیانگر دورانی است که پیش از قدرت‌گیری اتحاد سه‌گانه می‌آید؛ اتحادی که همان وحش هشتم است و از آن هفت است. وحش هشتم، که از آن هفت است، دومین و آخرین ظهور حاکمیت پاپی بر جهان است. در نخستین ظهور حاکمیت پاپی بر جهان، یک دوره سی‌ساله آمادگی وجود داشت.

خط بر خط: تاریخ ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه؛ تاریخ سی‌ساله‌ای که به سال ۵۳۸ انجامید؛ تاریخ سی‌ساله‌ای که به تعمید مسیح انجامید؛ تاریخ آیه دوم فصل یازدهم دانیال، از رونالد ریگان تا قانون یکشنبه؛ و تاریخ ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸؛ همگی در ایام آخر نمایانگر همان تاریخ واحدند. روشن بودن درباره این حقیقت ضروری است، زیرا تاریخی که از ۱۷۷۶ آغاز می‌شود و تا ۱۷۹۸ ادامه می‌یابد، همان خطی است که همه خطوط را به هم پیوند می‌دهد و آنها را روشن می‌کند.

در آن خط تاریخ نبوی که تاریخ پایانی وحش زمین مکاشفه سیزده است، خطی داخلی وجود دارد که به قوم خدا خطاب می‌کند و با شاخ پروتستان‌تیسیم حقیقی نمایانده می‌شود، و خطی خارجی که با شاخ جمهوری‌گرایی نمایانده می‌شود. در هر دو شاخ، کشمکش و مناقشه‌ای دوگانه وجود دارد که نبوت به آن می‌پردازد. ما در حال شناسایی عناصر نبوی ازدها، وحش، نبی کاذب و اسلام بوده‌ایم که

در تاریخ از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه ظاهر می‌شوند.

ویژگی نبوتی ازدها این است که او پدر دروغ‌هاست، قاتل است، و رهبر توطئه‌های پنهانی بر زمین؛ همان‌گونه که در آسمان نیز بود. دین او روح‌گرایی است. او پرچم‌دار آنچه امروز «جنگ حقوقی» خوانده می‌شود؛ او وکیل نامقدس، شاکی برادران ماست، چنان‌که در دادگاه آسمانی نیز چنین بود؛ آنگاه که درباره اطاعت و ایمان ایوب مجادله می‌کرد، و آنگاه که درباره پیکر موسی جدال نمود، و نیز وقتی که در زکریا باب سوم درباره کار مسیح در درآوردن جامه‌های چرکین از تن یهوشع منازعه کرد. اوست که بر ممالک حکم می‌راند، و همان کسی است که خود را به جای خدا می‌نشانند.

دین آن وحش کاتولیسیم است، و او همان زنی است که جهان را از راه سنت‌ها و رسوم می‌فریبید؛ سنت‌ها و رسومی که پیروانش را وامی‌دارد باور کنند باید اطاعت از آن‌ها را بر کلام خدا مقدم بدانند. او جهان را به وسیله سحرهای خود می‌فریبید؛ برای این واژه در کتاب مکاشفه، باب هجدهم، آیه بیست‌وسوم، اصطلاح یونانی «فارماکیا» به کار رفته که به معنای «داروها» است. او همان کسی است که با پادشاهان زمین زنا می‌کند. او بدل آن کسی است که مرده بود، اما دوباره زنده است. او همان است که فراموش می‌شود و سپس به یاد آورده می‌شود، و او هشتمی است که از همان هفت است. او همان وحشی است که ایالات متحده تمثالی از او و برای او می‌سازد.

پیامبر کاذب همان پروتستانتیسم مرتدی است که خود را چیزی می‌پندارد که کلام خدا انکارش می‌کند، و به سبب انکار کلام خدا، از قدرتی که کلام خدا می‌بخشد بی‌بهره است. بدون قدرت کلام خدا، کلیسا یا قومی که با گستاخی هنوز مدعی‌اند قوم خدا هستند، ناگزیرند برای آنکه وانمود کنند کار خدا را به انجام می‌رسانند، بر قدرت مدنی تکیه کنند. پروتستانتیسم مرتد همان پیامبران بعل و عشتاروت است که رقصی فریبنده برای ایزابل و هیرودیاس فراهم می‌کنند، و خود آنان سالومه، دختر هیرودیاس‌اند.

این سه قدرت در یک اتحاد سه‌گانه گرد هم می‌آیند، اما در واقع از یکدیگر نفرت دارند. بدون درک این واقعیت که با یکدیگر در تقابل‌اند، فهم این‌که چگونه ده پادشاه (سازمان ملل متحد) موافقت می‌کنند، پادشاهی خود را به نهاد پاپی واگذارند و در همان فصل گوشت او را بخورند و او را با آتش بسوزانند، ناممکن است. این مناقشه میان این قدرت‌ها باید به شاگردان خدا در باب نبوت تعلیم داده شود.

اسلام شیپور هفتم است و به‌عنوان سومین وای، وسیله داوری است که خدا به کار می‌گیرد تا داوری را بر بابل معاصر بیاورد، همان‌گونه که چهار شیپور نخست داوری را بر روم بت‌پرست غربی آوردند و شیپورهای پنجم و ششم داوری را بر روم پاپی و روم بت‌پرست شرقی آوردند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

در این زمان‌های با اهمیت ویژه، نگهبانان رمة خدا باید به مردم بیاموزند که نیروهای روحانی در کشمکش‌اند. این انسان‌ها نیستند که چنین شدت احساساتی را که اکنون در جهان دینی وجود دارد پدید می‌آورند. نیرویی از مجمع روحانی شیطان در عناصر دینی جهان نفوذ می‌کند، مردم را برمی‌انگیزد تا برای بهره‌برداری از امتیازاتی که شیطان به دست آورده است، به اقدام قاطع دست زنند؛ بدین وسیله که جهان دینی را به جنگی مصمم علیه کسانی رهبری می‌کند که کلام خدا را راهنمای خود و یگانه بنیاد آموزه‌ها می‌سازند. تلاش‌های استادانه شیطان اکنون به کار افتاده است تا هر اصل و هر نیرویی را که می‌تواند به کار گیرد گرد آورد تا با الزامات شریعت یهوه مخالفت کند، به‌ویژه فرمان چهارم، که تعیین می‌کند خالق آسمان‌ها و زمین کیست.

مرد گناه در اندیشه تغییر زمان‌ها و قوانین بوده است؛ اما آیا چنین کرده است؟ این مسئله بزرگ است. روم و همه کلیساهایی که از جام شرارتش نوشیده‌اند، در پندار تغییر زمان‌ها و قوانین، خود را بالاتر از خدا برکشیده‌اند و یادگار بزرگ خدا، یعنی سبت روز هفتم را، ویران کرده‌اند. سبت مقرر

بود که نمایانگر قدرت خدا در آفرینش جهان در شش روز باشد و نیز آرام‌گرفتن او در روز هفتم. «از این رو روز سبت را برکت داد و آن را تقدیس کرد»، زیرا در آن از همه کارهایش که خدا آفرید و ساخت، آسود. هدف کار استادانه فریکار بزرگ این بوده است که جای خدا را بگیرد. او در تلاش‌های خود برای تغییر زمان‌ها و قوانین، در کار بوده است تا قدرتی مخالف خدا و بالاتر از او را حفظ کند.

اینجا مسئله بزرگ پیش روست. اینجاست که دو قدرت بزرگ در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند: شاهزاده خدا، عیسی مسیح؛ و شاهزاده تاریکی، شیطان. اکنون رویارویی آشکار در می‌گیرد. در جهان تنها دو دسته وجود دارد و هر انسان زیر یکی از این دو پرچم قرار خواهد گرفت: پرچم شاهزاده تاریکی یا پرچم عیسی مسیح.

خدا فرزندان وفادار و راستین خود را به وسیله روح خود الهام خواهد بخشید. روح القدس نماینده خداست و در جهان ما همچون عامل نیرومندی عمل خواهد کرد تا وفاداران و راستینان را برای انبار خداوند در دسته‌ها به هم ببندد. شیطان نیز با شدتی بسیار در کار است که علف‌های هرز خود را از میان گندم در دسته‌ها گرد آورد.

تعلیم هر سفیر حقیقی مسیح اکنون امری بس سنگین و جدی است. ما درگیر جنگی هستیم که هرگز پایان نخواهد یافت تا هنگامی که حکم نهایی برای تمامی ابدیت صادر شود. بگذار هر شاگرد عیسی به یاد داشته باشد که ما «نه با جسم و خون می‌جنگیم، بلکه با ریاست‌ها، با قدرت‌ها، با حاکمان تاریکی این جهان، با شرارت‌های روحانی در جایگاه‌های بلند.» آه، پای امور ابدی در این نبرد در میان است، و برای مواجهه با این موضوع، نباید کاری سطحی یا تجربه‌ای ارزان‌مایه در میان باشد. «خداوند می‌داند چگونه پارسایان را از وسوسه‌رهای بی‌بخشد و بی‌عدلان را برای روز داوری نگاه دارد تا کیفر ببینند... و حال آنکه فرشتگان، که در قدرت و توان برترند، نزد خداوند علیه آنان اتهام اهانتمیز نمی‌آورند.» بولتن روزانه کنفرانس عمومی، ۴ مارس ۱۸۹۵.